

الگوی بومی توسعه فعالیت‌های اقتصادی در

راستای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

زهرا نذاف بغدادآبادی
کارشناسی ارشد مهندسی صنایع،
مربی دانشگاه پیام‌نور تهران و کرج
حسن فلاح
استادیار مهندسی صنایع،
عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور تهران

برنامه‌ریزی توسعه فعالیت‌های اقتصادی ابعاد مختلفی دارد که یک بعد آن با در نظر گرفتن اهداف دولت به تعیین ظرفیت مناسب فعالیت‌های اقتصادی در استان‌های کشور می‌پردازد. هم‌راستاسازی اهداف برنامه‌ریزی توسعه فعالیت‌های اقتصادی با موضوعات مورد تأکید سند چشم‌انداز، در تحقق هر چه بهتر اهداف این سند مؤثر می‌باشد. مقاله حاضر الگویی بومی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی در سطح استان‌های کشور ارائه می‌نماید. مراحل سه‌گانه این الگو در راستای اهداف سند چشم‌انداز می‌باشد. در مرحله نخست از الگوی پیشنهادی، فعالیت‌های اقتصادی با توجه به شاخص‌های اشتغال‌زایی اولویت‌بندی شده و در مرحله دوم فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی استان شناسایی می‌شود. در مرحله سوم با توجه به اهداف دولت و محدودیت‌های مؤثر در توسعه فعالیت‌های اقتصادی، به تعیین ظرفیت مطلوب فعالیت‌های اقتصادی پرداخته می‌شود. توسعه فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی استان‌ها، در تعادل منطقه‌ای و توسعه متوازن فعالیت‌های اقتصادی مؤثر است. علاوه بر آن نتایج الگو می‌تواند زمینه سرمایه‌گذاری مطمئن‌تر افراد را فراهم آورده و در توسعه اشتغال و رفع معضل بیکاری به عنوان مهم‌ترین اهداف سند چشم‌انداز نیز مؤثر واقع شود.

واژگان کلیدی: توسعه فعالیت‌های اقتصادی، سند چشم‌انداز، برنامه‌ریزی منطقه‌ای

۱- مقدمه

جوامع بشری برای دستیابی به آرمان‌های خود، به برنامه‌ریزی‌های جامع و بلندمدت نیاز دارند. علاوه بر آن تحقق اهداف برنامه‌های بلندمدت، مستلزم برنامه‌ریزی‌های صحیح میان‌مدت و کوتاه‌مدت در زمینه‌های مختلف است. در ایران نیز سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به مثابه برنامه بلندمدتی است که با تکیه بر موضوعات و مسائل مهم کشور، جهت‌گیری مناسبی را برای سایر برنامه‌ریزی‌ها ارائه می‌نماید. هم‌راستاسازی سیاست‌گذاری‌های مختلف کشور با اهداف سند چشم‌انداز، در تحقق هر چه بهتر اهداف این سند مؤثر می‌باشد.

در سند چشم‌انداز بیست ساله ایران، سیاست‌های کلی کشور در چهار بخش زیر تنظیم شده است [۱ و ۲]:

۱. امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی

۲. امور اقتصادی

۳. امور فرهنگی

۴. امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی

در بخش اجتماعی به طور صریح به گسترش عدالت اجتماعی، تعادل منطقه‌ای و توسعه متوازن کشور اشاره شده است. علاوه بر آن اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری به عنوان مهم‌ترین هدف دولت در بیست سال آینده معرفی شده و ارتقاء شاخص‌هایی کیفی زندگی نظیر سلامت، آموزش و مبارزه با فسادهای ناشی از فقر و بیکاری نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در بخش اقتصادی به موضوع توسعه فعالیت‌های اقتصادی پرداخته شده و هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در مناطقی که دارای مزیت نسبی هستند، مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است. همچنین به موضوع افزایش درآمد آحاد جامعه و تثبیت فضایی اطمینان‌بخش برای سرمایه‌گذاران اقتصادی نیز اشاره شده است [۱ و ۲].

این مقاله به برنامه‌ریزی توسعه فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازد. با توجه به تفاوت بین استعداد و قابلیت‌های مناطق جغرافیایی، توسعه

فعالیت‌های اقتصادی در هر استان نیازمند الگوی مناسب با آمایش سرزمینی استان است. مقاله حاضر الگویی بومی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی در سطح استان‌های کشور ارائه می‌نماید. پیاده‌سازی این الگو در تحقق اهداف کمی و کیفی سند چشم‌انداز، در بخش‌های اجتماعی و اقتصادی مؤثر می‌باشد.

۲- برنامه‌ریزی منطقه‌ای

برنامه‌ریزی منطقه‌ای رویکردی است که با تعیین اهداف کلان دولت‌ها و شناسایی مزیت‌های نسبی مناطق جغرافیایی، بهره‌گیری از استعدادهای مناطق جغرافیایی را در راستای تحقق اهداف دولت قرار می‌دهد [۳]. لذا در این مقاله نیز برای دستیابی به اهداف دولت، از رویکرد برنامه‌ریزی منطقه‌ای استفاده می‌شود. هم‌سوسازی اهداف دولت با اهداف سند چشم‌انداز، استعدادهای و توان‌های محیطی استان‌ها را در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز قرار می‌دهد.

برنامه‌ریزی توسعه فعالیت‌های اقتصادی در گام نخست مستلزم شناسایی فعالیت‌های اقتصادی بر اساس تعریفی جامع و مانع است. فعالیت اقتصادی به فعالیتی اطلاق می‌گردد که در آن فرد یا گروهی از افراد جامعه با استفاده از فضا، تجهیزات، مواد اولیه و اطلاعات مورد نیاز، مبادرت به تولید کالا و یا ارائه خدمات می‌نمایند. علاوه بر آن دارای ویژگی‌های زیر نیز می‌باشد [۵ و ۴]:

۱. تفکیک آن به اجزای کوچک‌تر مقرون به صرفه نیست.
۲. همراه با ارزش افزوده می‌باشد.
۳. تولید یا خدمات متنوعی را به همراه دارد.
۴. نیروی انسانی شاغل در آن کسب درآمد می‌نماید.
۵. استانداردهای مشخصی را دارا می‌باشد.
۶. در چارچوب قوانین و ضوابط دولتی و در یکی از سه بخش دولتی، خصوصی و یا تعاونی عمل می‌نماید.

در این مقاله فرض بر آن است که کلیه فعالیت‌های اقتصادی کشور در سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات، بر اساس تعریف فوق شناسایی شده است. شایان ذکر است که شناسایی فعالیت‌های اقتصادی مستقل از مناطق جغرافیایی می‌باشد.

۳- افق‌های زمانی مؤثر در برنامه‌ریزی توسعه فعالیت‌های اقتصادی

هر گونه برنامه‌ریزی در امور کشور، باید در راستای سیاست‌گذاری‌های سند چشم‌انداز بیست‌ساله بوده و همچنین بتواند به اهداف برنامه‌های پنج‌ساله توسعه نیز جامه عمل بپوشاند [۶ و ۱]. برنامه‌ریزی توسعه فعالیت‌های اقتصادی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. لذا ضروری است اهداف مهم کشور در افق‌های بیست‌ساله و پنج‌ساله تعیین و سپس به توسعه آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی پرداخته شود که تحقق بهتر اهداف دولت را در افق‌های زمانی فوق به دنبال دارد.

علاوه بر آن بخشی از سرمایه مورد نیاز توسعه فعالیت‌های اقتصادی، از محل اعتبارات دولتی که به صورت برنامه‌های بودجه سالانه تنظیم

می‌شود، تأمین می‌گردد. لذا افق زمانی یک‌ساله به منظور ارزیابی میزان دسترسی منابع از جمله منابع مالی، در برنامه‌ریزی توسعه فعالیت‌های اقتصادی مؤثر می‌باشد. به طور کلی برای برنامه‌ریزی توسعه فعالیت‌های اقتصادی سه افق زمانی بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت به ترتیب برابر بیست سال، پنج سال و یک سال در نظر گرفته می‌شود.

۴- الگوی بومی توسعه فعالیت‌های اقتصادی

الگوی بومی توسعه فعالیت‌های اقتصادی در سطح استان‌های کشور شامل سه مرحله می‌باشد. در مرحله نخست به اولویت‌بندی فعالیت‌های اقتصادی بر اساس شاخص‌های اشتغال‌زایی پرداخته می‌شود و در مرحله دوم در افق بیست سال، فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی استان شناسایی می‌گردد. در مرحله سوم با توجه به اهداف دولت و با استفاده از برنامه‌ریزی خطی چندهدفه، در افق پنج سال به تعیین ظرفیت مطلوب فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی استان پرداخته می‌شود.

۴-۱- اولویت‌بندی فعالیت‌های اقتصادی

نگاهی گذرا به وضعیت فعلی جامعه مؤید این واقعیت است که مهم‌ترین مسئله کشور معضل بیکاری بوده و بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، اشتغال‌زایی باید مهم‌ترین هدف برنامه‌ریزان کشور در بیست سال آینده باشد [۲ و ۱]. لذا به منظور تحقق هر چه بهتر اهداف سند چشم‌انداز، الگوی پیشنهادی در مرحله نخست به اولویت‌بندی فعالیت‌های اقتصادی از نظر توان اشتغال‌زایی می‌پردازد. ارزیابی توان اشتغال‌زایی فعالیت‌های اقتصادی، بر اساس مجموعه‌ای از شاخص‌ها امکان‌پذیر است. در مطالعات گذشته، شاخص‌های اشتغال‌زایی فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی شناسایی شده است. این شاخص‌ها به سه دسته کلی زیر تقسیم می‌شود [۷]:

۱. شاخص‌های مالی:

با توجه به شاخص‌های این دسته، جنبه‌های مالی یک فعالیت اقتصادی حائز اهمیت می‌باشد. نظیر: میزان سرمایه مورد نیاز به ازای اشتغال یک نفر، میانگین درآمد حاصله به ازای اشتغال یک نفر، میانگین حقوق پرداخت شده به ازای یک نفر شاغل و مدت زمان برگشت کل سرمایه به درآمد سالیانه نیروی انسانی.

۲. شاخص‌های فنی:

با توجه به شاخص‌های این دسته، ویژگی‌های فنی یک فعالیت اقتصادی حائز اهمیت می‌باشد. نظیر: مساحت مورد نیاز، طول دوره راه‌اندازی، میزان پیچیدگی فناوری و میزان دسترسی به اطلاعات فنی فعالیت اقتصادی.

۳. شاخص‌های بازار، کیفیت و توسعه:

با توجه به شاخص‌های این دسته، وضعیت بازار تقاضای یک فعالیت اقتصادی از نظر: میزان موفقیت در کسب بازارهای داخلی و خارج، میزان رشد بالقوه در تعداد شاغلین، میزان وابستگی فعالیت اقتصادی

اقتصادی دارند. لذا پس از اولویت‌بندی فعالیت‌های اقتصادی، الگوی پیشنهادی در دومین مرحله به انتخاب فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی استان می‌پردازد. توسعه فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی استان‌ها، در تعادل منطقه‌ای و توسعه متوازن کشور که از اهداف سند چشم‌انداز به شمار می‌رود، مؤثر می‌باشد.

هم‌افزایی فعالیت‌های اقتصادی با توجه به مزیت‌های نسبی مناطق جغرافیایی، از دیگر موضوعات مورد تأکید سند چشم‌انداز است. لذا در دومین مرحله از الگوی مورد نظر، علاوه بر تعیین فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی استان، به شناسایی فعالیت‌های اقتصادی وابسته نیز پرداخته می‌شود. این امر زمینه توسعه فعالیت‌های اقتصادی به صورت خوشه‌های صنعتی را در استان‌های کشور فراهم می‌سازد.

۳-۴- تعیین ظرفیت مطلوب فعالیت‌های اقتصادی

در مرحله سوم از الگوی پیشنهادی، با در نظر گرفتن اهداف دولت و محدودیت‌های مؤثر در توسعه فعالیت‌های اقتصادی، به تعیین ظرفیت مطلوب فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی استان و فعالیت‌های اقتصادی وابسته پرداخته می‌شود. محدودیت‌ها، محدودیت منابعی نظیر نیروی انسانی، سرمایه، مواد اولیه، انرژی و کاربری اراضی را شامل می‌شود. علاوه بر آن محدودیت‌های تقاضا، حداقل ظرفیت فعالیت‌های اقتصادی و حفظ استاندارد انواع آلودگی‌ها نیز در تعیین ظرفیت فعالیت‌های اقتصادی مؤثر می‌باشد.

تعیین ظرفیت فعالیت‌های اقتصادی، با تکنیک‌های متنوعی نظیر روش‌های مدیریت، روش‌های جستجوی کامپیوتری و ارائه مدل ریاضی امکان‌پذیر است [۱۰]. به دلیل کمبود منابع ضروری است منابع استان صرف توسعه فعالیت‌های اقتصادی گردد که زمینه تحقق هر چه بهتر اهداف دولت را فراهم می‌سازد. در میان تکنیک‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای شامل روش‌های تحلیل مکانی، جدول داده و ستانده، جدول پی-دین، تجزیه به عامل‌ها و شاخص تفاوت منطقه‌ای، برنامه‌ریزی خطی این امکان را به برنامه‌ریز می‌دهد تا به حد مطلوبی از اهداف در مجموعه‌ای از محدودیت‌های موجود در منطقه دست یابد [۱۱، ۱۲ و ۱۳]. از آن جاییکه دولت از توسعه فعالیت‌های اقتصادی اهداف متعدّد و متنوعی را دنبال می‌نماید، لذا در مرحله سوم از الگوی پیشنهادی، با در نظر گرفتن اهداف دولت و محدودیت‌های مؤثر در توسعه فعالیت‌های اقتصادی، با استفاده از برنامه‌ریزی خطی چندهدفه به تعیین ظرفیت مطلوب فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی استان پرداخته می‌شود.

در این مقاله برای شناسایی اهداف دولت، از طریق پرسشنامه و مصاحبه به نظرسنجی از ۱۸ کارشناس و خبره مسائل اقتصادی پرداخته شده است. نتایج حاکی از آن است برخی اهدافی که دولت از توسعه فعالیت‌های اقتصادی دنبال می‌نماید، با یکدیگر سازگار و برخی با هم متعارض می‌باشد. کلیه اهداف دولت از توسعه فعالیت‌های اقتصادی، در چهار مجموعه هدف سازگار تنظیم می‌گردد. بعضی از

به توسعه سایر فعالیت‌ها، میزان تأثیر توسعه فعالیت اقتصادی بر توسعه سایر فعالیت‌ها، میزان تأثیرپذیری فعالیت اقتصادی از شرایط محیطی حائز اهمیت می‌باشد.

اولویت‌بندی فعالیت‌های اقتصادی از نظر توان اشتغال‌زایی، مستلزم امتیازدهی فعالیت‌های اقتصادی با توجه به شاخص‌های فوق است. در امتیازدهی فعالیت‌های اقتصادی، ویژگی‌های جغرافیایی استان‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. لذا ضروری است شرایط محیطی استان‌ها مورد مطالعه دقیق و عمیق قرار گرفته و نتایج آن منجر به تدوین سند آمایش سرزمینی استان گردد. این سند با ارائه خصوصیات خاص هر استان، در برنامه‌ریزی‌های استانی از جمله برنامه‌ریزی توسعه فعالیت‌های اقتصادی مؤثر می‌باشد. در تدوین سند آمایش سرزمینی، ویژگی‌های هر استان از پنج منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد [۹ و ۸]:

۱. ویژگی‌های فیزیکی: از این منظر به بررسی پارامترهایی نظیر اقلیم، شرایط آب و هوایی، دما، رطوبت و میزان بارش سالیانه پرداخته می‌شود.
۲. ویژگی‌های بیولوژیکی: از این منظر ویژگی‌های طبیعی، قابلیت‌های زمین، اکوسیستم‌ها و منابع آب سطحی و زیرزمینی استان مورد مطالعه قرار می‌گیرد.
۳. ویژگی‌های ارتباطی: از این منظر به بررسی راه‌ها و کانال‌های ارتباطی استان با سایر نقاط داخل و خارج کشور پرداخته می‌شود.
۴. ویژگی‌های اقتصادی: از این منظر وضعیت کشاورزی، صنایع و معادن، گردشگری و بازرگانی استان مورد مطالعه قرار می‌گیرد.
۵. ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی: از این منظر به مطالعه پارامترهایی نظیر جمعیت، اشتغال، بیکاری، مهاجرت و آداب و رسوم پرداخته می‌شود.

لذا در نخستین مرحله از الگوی پیشنهادی، به امتیازدهی فعالیت‌های اقتصادی بر اساس شاخص‌های اشتغال‌زایی و با توجه به سند آمایش سرزمینی استان پرداخته می‌شود. توسعه فعالیت‌هایی اقتصادی با توان اشتغال‌زایی بالا، در توسعه اشتغال و رفع معضل بیکاری به عنوان مهم‌ترین اهداف سند چشم‌انداز مؤثر می‌باشد. علاوه بر آن توجه به نوع آمایش سرزمینی استان‌ها، زمینه توسعه فعالیت‌های اقتصادی سازگار با شرایط و ویژگی‌های استان را فراهم می‌سازد.

۲-۴- شناسایی فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های

نسبی استان

توسعه فعالیت‌های اقتصادی مستلزم بهره‌گیری از منابع مختلف از جمله منابع انسانی، مالی و طبیعی می‌باشد. بدیهی است که به دلیل محدودیت منابع، امکان توسعه بی‌حد و حصر کلیه فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد. لذا پس از اولویت‌بندی فعالیت‌های اقتصادی، ضروری است تعدادی از فعالیت‌های اقتصادی استان انتخاب و منابع صرف توسعه آن‌ها گردد.

شایان ذکر است که استان‌های مختلف کشور از استعداد‌های یکسانی برخوردار نمی‌باشند. برخی از استان‌ها به دلیل بهره‌مندی از مزیت‌های نسبی جغرافیایی، قابلیت‌بهتری برای توسعه بعضی از فعالیت‌های

نوین تر و نیروی انسانی تحصیل کرده تر در رشد تکنولوژیکی استان مؤثر می باشد. این هدف با هدف ارتقاء شاخص های کیفی زندگی سند چشم انداز هم راستا می باشد.

۴. کاهش ریسک سرمایه گذاری

اهدافی که در این مجموعه قرار دارد عبارتند از: کاهش ریسک سرمایه گذاری، افزایش شفافیت بازار، امنیت و سهولت فضای کسب و کار. با توجه به این هدف، دولت به توسعه آن دسته از فعالیت های اقتصادی می پردازد که دارای ریسک کمتری بوده و سرمایه گذاران با اطمینان بیشتر، مبادرت به سرمایه گذاری در آن می نمایند. این هدف با هدف فراهم آوردن فضایی اطمینان بخش برای سرمایه گذاران اقتصادی سند چشم انداز هم راستا می باشد.

همان گونه اشاره شد در مرحله سوم از الگوی پیشنهادی، با در نظر گرفتن اهداف فوق و محدودیت های مؤثر در توسعه فعالیت های اقتصادی، با استفاده از برنامه ریزی خطی چندهدفه به تعیین ظرفیت مطلوب فعالیت های اقتصادی پرداخته می شود. اخیرا در کشور مطالعه ای بدین منظور انجام شده است [۱۴].

شکل ۱ مراحل الگوی پیشنهادی و تأثیر آن را در تحقق اهداف سند چشم انداز نشان می دهد. الگوی ارائه شده یک الگوی عمومی است که می توان آن را برای برنامه ریزی توسعه کلیه فعالیت های اقتصادی (اعم از تولیدی و خدماتی) و در همه استان های کشور بکار گرفت.

مجموعه ها شامل یک و برخی شامل چندین هدف است. این اهداف به دلایل ذیل در راستای اهداف سند چشم انداز می باشد:

۱. اشتغال زایی

در این مجموعه تنها هدف اشتغال زایی قرار دارد. با توجه به این هدف، دولت به توسعه آن دسته از فعالیت های اقتصادی می پردازد که فرصت های شغلی بیشتری را برای آحاد جامعه فراهم می سازد. این هدف با هدف توسعه اشتغال و تقلیل نرخ بیکاری سند چشم انداز هم راستا می باشد.

۲. درآمدزایی

در این مجموعه تنها هدف درآمدزایی قرار دارد. با توجه به این هدف، دولت به توسعه آن دسته از فعالیت های اقتصادی می پردازد که با درآمدزایی بیشتر، بهبود وضعیت معاش افراد را به دنبال دارد. این هدف با هدف ارتقاء سطح درآمد و کاهش فسادهای ناشی از فقر سند چشم انداز هم راستا می باشد.

۳. ارتقاء سطح تکنولوژیکی

در این مجموعه دو هدف ارتقاء سطح تکنولوژیکی و افزایش بهره وری قرار دارد. بکارگیری تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته، در استفاده بهینه از منابع برای تولید کالای مطلوب تر و در نهایت افزایش بهره وری مؤثر می باشد. با توجه به این هدف، دولت به توسعه آن دسته از فعالیت های اقتصادی می پردازد که با دارا بودن تجهیزات پیشرفته تر، دانش فنی

اهداف سند چشم انداز

الگوی بومی توسعه فعالیت های اقتصادی در سطح استان های کشور



۵- نتیجه گیری

این مقاله پس از تبیین نقش و جایگاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور، الگویی بومی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی در سطح استان‌های کشور ارائه می‌نماید. الگوی پیشنهادی با بهره‌گیری از رویکرد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، زمینه توسعه فعالیت‌های اقتصادی بر اساس مزیت‌های نسبی استان‌ها را فراهم می‌سازد. این الگوی در مرحله نخست به اولویت‌بندی فعالیت‌های اقتصادی با توجه به شاخص‌های اشتغال‌زایی و سند آمایش سرزمینی استان می‌پردازد. در مرحله دوم فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی استان شناسایی شده و در مرحله سوم با در نظر گرفتن اهداف دولت و محدودیت‌های مؤثر در توسعه فعالیت‌های اقتصادی، به تعیین ظرفیت مطلوب فعالیت‌های اقتصادی متناسب با مزیت‌های نسبی استان پرداخته می‌شود. پیاده‌سازی الگوی پیشنهادی در دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی سند چشم‌انداز مؤثر می‌باشد. از جمله این اهداف می‌توان به اشتغال‌زایی و تقلیل نرخ بیکاری، توسعه متوازن و تعادل منطقه‌ای، هم‌افزایی فعالیت‌های اقتصادی بر اساس مزیت‌های نسبی مناطق جغرافیایی، درآمدزایی و کاهش فسادهای ناشی از فقر، ارتقاء شاخص‌های کیفی زندگی و فراهم آوردن فضایی اطمینان‌بخش برای سرمایه‌گذاران اقتصادی اشاره نمود.

منابع:

۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲، "سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران"
۲. زیاری، کرامت‌الله، ۱۳۸۳، "اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای"، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه یزد
۳. فلاح، حسن، ۱۳۸۰، "شناسنامه فعالیت اقتصادی"، گروه مهندسی صنایع دانشگاه امام حسین (ع)
۴. فلاح، حسن، ۱۳۸۳، "طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی شناسایی شده"، گروه مهندسی صنایع دانشگاه امام حسین (ع)
۵. علی‌یاری، شهرام، ۱۳۸۳، "اولویت‌بندی فعالیت‌های اقتصادی بر اساس شاخص‌های اشتغال‌زایی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه امام حسین (ع)
۶. اندرودی، مهرداد، ۱۳۸۰، "اصول و روش‌های مدیریت زیست‌محیطی"، نشر کنگره
۷. سیدحسینی، م.، آریانزاد، م. و ربانی، م.، "ارائه الگوی ریاضی تعیین ظرفیت پذیرش دانشجو در مؤسسات آموزش عالی کشور"، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش
۸. صرافی، مظفر، ۱۳۷۷، "مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای"، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای
۹. خوش‌چهره، صادق، ۱۳۸۸، "برنامه‌ریزی منطقه‌ای"، گروه اقتصاد دانشگاه تهران
۱۰. نداف بغدادآبادی، زهرا، ۱۳۸۹، "ارائه مدل چندهدفه فازی برای تعیین ظرفیت مطلوب فعالیت‌های اقتصادی در منطقه جغرافیایی معین"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه پیام‌نور تهران

11. www.iran1404.com

12. www.dolat.ir

13. Bellmann, K., 2000, "Towards to a system analytical and modelling approach for integration of ecological, hydrological, economical and social components of disturbed regions", Landscape and Urban Planning, Vol. 51, pp. 75-87

14. Muller, F., 1973, "An operational mathematical programming model for the planning of economic activities in relation to the environment", Pergamon Press. Socio-Econ Plan, Vol. 7, pp. 123-138